

مهمان سردبیر

سیاست علم، فناوری و نوآوری در ایران نسبت به بیشتر حوزه‌های علمی و پژوهشی رشته‌ای جوان به شمار می‌آید و جامعه سیاست‌پژوهان و پژوهشگران این عرصه نیز جامعه‌ای به نسبت نوپا است. اما این جامعه، در عین جوانی به سرعت در حال تبدیل به یک جامعه علمی شکل‌گرفته و پخته است. شکل‌گیری و گسترش کرسی‌های دانشگاهی، افزایش شمار پژوهشگران و دانشجویان مقطع دکتری، انتشار کتاب‌ها و مجلات تخصصی و همزمان احساس نیاز در طرف تقاضا و انجام پروژه‌های پژوهشی، نشان از توسعه چشمگیر این جامعه علمی دارد (هرچند که هنوز جای بعضی از عناصر و المان‌ها خالیست).

حال و با گذر از مراحل اولیه رشد، به نظر می‌رسد که این جامعه از چند جهت در نقطه عطف و بزنگاه تاریخی قرار گرفته است. نخست اینکه با سپری شدن اولین مراحل رشد این رشته علمی در ایران، که طبیعتاً آشنایی با نظریات علمی و موضوعات نو و دستاوردهای پژوهشی مطرح در سطح جهان نقش کلیدی در آن داشت، اکنون و تا حد زیادی این آشنایی اولیه لازم حاصل شده و نوبت به فراتر رفتن از این مرزها رسیده است. همین موضوع چالش مهمی پیش روی این رشته علمی و پژوهشگران آن است. این که آیا پژوهش‌های این حوزه به تکرار مکررات بدل خواهد شد و پژوهشگران این عرصه سطحی‌نگری، ساده‌انگاری و رفع تکلیف را دستور کار خود قرار خواهند داد (مانند بعضی از حوزه‌های علمی نزدیک که غالب پژوهش‌های امروز آن چیزی بیش از انتخاب متغیرهای موهوم و نامرتبط و نظرسنجی از خبرگانی موهوم‌تر و نامرتب‌تر نیست و خبری از نظریه‌پردازی روش‌مند، پاسخگویی به سوالات نظری و عملی و خلق دانش واقعی در آن نمی‌یابیم)، و یا مطالعه عمیق، پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی و گسترش مرزهای دانش را سرلوحه قرار می‌دهند، نخستین و مهم‌ترین دغدغه پیش‌روی است. توجه به نیازها و مسائل حقیقی کشور در عین حفظ ارتباط مداوم با پژوهشگران این عرصه در سایر کشورها، استفاده از روش‌های تحقیق و تحلیل متناسب و رعایت دقیق استانداردهای علمی و حرفه‌ای از لوازم اصلی حفظ نوآوری و کیفیت در پژوهش‌های سیاست علم و فناوری و نوآوری در ایران و نیفتادن در ورطه پژوهش‌های ضعیف است.

در کنار این نقطه عطف علمی، یک نقطه عطف سیاسی نیز پیش‌روی این جامعه علمی است. تغییرات سیاسی در کشور و دست به دست شدن دولت‌ها همواره می‌تواند منشاء اثرات مهمی باشد و فرصت‌های فراوانی ایجاد کند. اکنون که دولت جدید در کشور در حال مستقر شدن است، جامعه سیاست‌پژوهان عرصه علم، فناوری و نوآوری نیز باید بتواند به درستی نیازها و سوالات سیاستی پیش‌روی دولت جدید را شناسایی نموده و برای آنها پاسخ مناسب و به موقع ارائه کند. در غیر این صورت، دور ماندن جامعه علمی از صحنه عمل، به ادامه فرآیند سعی و خطا در عرصه سیاست‌گذاری علم، فناوری و نوآوری منجر خواهد شد. باید بپذیریم که بدون یادگیری از گذشته و بهبود روندها و فرآیندهای موجود دستیابی به اهداف چشم‌انداز امکان‌پذیر نخواهد بود، و اصولاً اگر این جامعه علمی، در این مقطع حساس نتواند قسمتی از دین خود را به اجتماع ادا کند، چه زمانی این کار را خواهد کرد؟

هرچند دو نقطه عطف ذکر شده در بالا، در ظاهر دو ماهیت متفاوت علمی و سیاسی دارند، اما هر دوی آنها به یک رهنمون سیاستی مشخص منجر می‌شوند: پژوهشگران عرصه سیاست علم، فناوری و نوآوری باید بتوانند ارتباط مناسب با سیاست‌گذاران

و دست‌اندرکاران این عرصه برقرار کنند، نیازها و سوالات واقعی آن‌ها را بشناسند و با استفاده از تئوری‌های دردست و تحلیل‌های متناسب، علاوه بر توصیف دقیق شرایط، نسخه‌های عملی با کیفیت (و البته به موقع) برای آنها تجویز کنند.

دکتر سید سروش قاضی نوری

استادیار دانشگاه علامه طباطبایی